



شروط ضمن عقد

جایگزین سکه‌های مهریه

«گزارش» (شهروند) از تاثیر افزایش قیمت سکه بر شلوغی دادگاه‌ها و تغییر نگرش خانواده‌ها

[لیلا مهداد] همه‌همه فضا را پُر کرده. آدم‌ها، اینجا با فریاد حرف می‌زنند، البته حرف که نه؛ برای هم خط‌ونشان می‌کشند. جمعیت بالاست و تردد سخت. آدم‌هایی با ماسکی مشابه؛ ابروهای بهم‌گرفته‌خورده، چهره‌های برافروخته، چشمان سرخ‌از‌اشک و دهان‌هایی که به دشنام و تهدید باز می‌شوند. عده‌ای پوشه‌ای زیر بغل زده و گوش تیز کرده‌اند برای شنیدن نامشان. برخی هم چشم خیره و دهان باز به وکیل‌شان گوش سپرده‌اند. دو، سه نفری آن‌طرف‌تر دست به یقه شده‌اند؛ «پدرت را ذرمی‌آورم. حقت را می‌گذارم کف دستت.» «هر کاری از دستت برمی‌آید بکن، ببینم کی ضرر می‌کنه؟» «اشک بی‌اختیار از چشمان زن سرازیر می‌شود؛ «جوونیم رو سوزوندی. با اخلاق بد، خساست و رقیق‌بازی‌ات ساختم حالا تهدید می‌کنی؟» مرد خوش‌لباس به تمسخر لبخندی می‌زند؛ «مهریه می‌خواهی؟ انقدر می‌برم و می‌آرمت که خودت خسته شی. می‌رسه روزی که بگی مه‌رم حلال، جونم آزاده؛ ببین کی بهت گفتم.»

حسرت دیدن بچه‌ها را به دلت می‌گذاری

صندلی‌ها جای خالی ندارند. تعدادی از اضطراب و استرسی که به جان‌شان افتاده سالن را بی‌هدف بالا و پایین می‌روند. در میان هیاهوی جمعیت، مردی میانه‌بالا با هیکلی که مشخص است سال‌ها دمبل و هالتر زده بر سر زنی جوان فریاد می‌کشد: «فکر کردی هر ماه یک سکه بهت می‌دهم و تو می‌روی پی زندگی‌ات؟ کور خوندی.»

حسرت دیدن بچه‌ها روی به دلت می‌گذارم.»

زن فقط گریه می‌کند، بی صدا و بدون کلامی. وکیل زن می‌خواهد مُرد سکوت کند و از زن فاصله بگیرد. شانه‌های زن زیر مانتو مشکی رنگ‌وررفته‌ای بالا و پایین می‌رود. زن خودش را به وکیلش نزدیک می‌کند، حواسش هست کسی حرف‌هایش را نشود؛ «دو بار خیانت کرد، به خاطر بچه‌ها دَم‌زدَم. جای عذرخواهی جری‌تر شد.

این دفعه، خانه‌خودم با همین دو چشم خیانتش را دیدم.»

مرد عصبانی است، کنش را روی دستش جابه‌جا می‌کند. نگاهی به صفحه گوشی‌اش می‌اندازد و دوباره چشم‌های سرخش را می‌دوزد به روی زن: «مگه کلا چقدر مهریه‌اته؟ ۱۴ تا سکه است دیگه، اما همونم جون به لبِت می‌کنم و می‌دم،» ازدواج‌شان ثمره عشقی پنج‌ساله بوده. ازدواجی که خانواده زن مخالف سرسخت آن بودند و اصرارهای دختر سفره‌عقد را بالاخره پهن کرده: «کاش به حرف بزرگ‌ترها گوش می‌دادم و حداقل مهر بیشتری تعیین می‌کردم. همه این ۱۰سال، حرفی زدم یا گلایه‌ای کردم، گفت ۱۴سکه که بیشتر نیست، می‌دهم برو از زندگی‌ام گمشو.»

بی‌انصاف نباش

«به دخترتمان رحم کن.» مثل پیرزن هاگف سالن نشسته و بر سر و رویش می‌گوید: «گناهم اینه عاشقتم و زندگیمو دوست دارم.» سر و رو و شکل و شمایل مُرد به

کارمندان شبیه‌است، باکت و شلواری سرمایه‌ای و کفش‌های مشکی واکس زده: «همه توأمم را گذاشته‌ام برای رفاه زن و دخترم. بیشتر از این زورم نمی‌رسد.»

سر و شکل زن و رخت و لباس‌هایش هیچ‌سختی با مردش ندارد؛ زنی با معیارهای زیبایی روز و لباس‌های برند. خونسرد روی صندلی نشسته و پایش را روی پالانداخته: «مُردی، هر کاری کردی وظیفه‌ات بوده.» همین جمله دوباره چشم‌های مرد را نمناک می‌کند: «بی‌انصاف نباش.» زن با همان خونسردی و آرامش نگاهی به مردش می‌کند که ماتم‌زده روی زمین نشسته: «چیز زیادی که نمی‌خواهم. بَدِ به فکر خوشبختی هر سه تا مون هستم؟» کمی امید به چهره مرد می‌دود: «اینجا نمی‌شود خوشبخت بود؟ حتماً باید قید همه چیز را بنیمم و برویم غربت؟»

همه دعوای و جروبحث‌هایشان ماه‌هاست بر سر رفتن به کاناداست: «مهاجرت به همین راحتی هاهم نیست. پدر و مادرم بیرند، به من نیاز دارند.» مرد دودستش را روی سرش می‌گذارد و صورتش را پنهان می‌کند: «بابه دختر پنج‌ساله‌ویه زن برم غربت چه کنم؟ اصلاً اونجا سر چه کاری برم؟» اینها را مرد زیر لب زمزمه می‌کند، گویی دنبال جوابی است که زندگی‌اش را به حالت ۹-۸ ماه پیش برگرداند: «پاشو تو به کفش کرده، می‌گی یا مه‌رم روده خودم برم یا با من بیا؟»

مهریه را کی داده، کی گرفته

مرد ساندویچش را گاز می‌زند و یک نفس نوشابه‌اش را بالای‌اش می‌کشد. هرچند چشم‌از‌دُرووردی برنمی‌دارد. آرامشش در میانه‌این هیاهو کمی عجیب به نظر می‌رسد. چند دقیقه بعد دختر جوانی از در ورودی پایه‌داخل می‌گذارد. مُرد ته‌مانده ساندویچش را می‌خورد و دستش را دراز می‌کند تا با زن دست‌دهد. زن بی‌اعتنا از او می‌گذرد، اما مرد در کمال آرامش لبخندی پنهان روی لب‌هایش می‌نشانند.

یک تا ۵ سال؛ طول مدت ازدواج اغلب طلاق‌ها در سال ۹۹

غیرمعموض) این اعداد در سال‌های ۹۹ و ۱۴۰۰ به ترتیب تا عدد ۹۴۵ و ۸۲۱ زندانی مهریه تقلیل می‌یابد.

با وجود روند کاهش آمار زندانیان بدهکار مهریه، با تغییر و افزایش قیمت سکه، محکومان پرداخت مهریه با نوسان قیمت سکه و طلا با چالش‌هایی مواجه می‌شوند. این محکومان اگر موفق به پرداخت قسط‌های مشخص‌شده از سوی دادگاه نباشند به موجب قانون راهی زندان و محکوم به حبس می‌شوند. با توجه به افزایش قیمت سکه، حجم دادخواست‌ها برای کم کردن قسط ماهانه مهریه‌ها افزایش پیدا می‌کند؛ اگر فردی دادخواست خود را برای کاهش قسط مهریه تقدیم کند تا زمانی که این دادخواست مورد رسیدگی قرار گیرد و حکم برای آن صادر شود، حدود ۶ تا ۷ ماه زمان می‌برد و فرد در این مدت یا باید اقساط مهریه را پرداخت کند یا به زندان برود تا حکم نهایی صادر شود.

همچنین براساس طرح اصلاح قانون نحوه رسیدگی به محکومیت‌های مالی (مهریه) تبصره «در موردی که دادگاه به تقسیط پرداخت مهریه حکم کند و محکوم‌به، به ماخذ سکه طلا باشد، در صورتی‌که به دلیل نوسان شدید در بازار، قیمت سکه تغییر فاحش (بیش از ۲۰درصد) یابد، به نحوی که به تشخیص رئیس قوه‌قضائیه نوعاً پرداخت اقساط محکوم‌به برای افرادی که تغییر خاصی در وضعیت مالی آن رخ نداده موجب عسر و حرج شود، به صرف تقاضای محکوم‌علیه، حکم تقسیط مهریه بدون نیاز به تشریفات رسیدگی به مدت دو سال به نسبتی که توسط رئیس قوه‌قضائیه در مورد اختلاف قیمت سکه قبل و بعد از نوسان اعلام و تعدیل می‌شود. این حکم مانع تقدیم دادخواست تعدیل اقساط محکوم‌به از سوی طرفین طبق مقررات مربوط نمی‌شود، در هر حال، رسیدگی به دادخواست تعدیل اقساط محکوم‌به اعم از مهریه و غیر آن خارج از نوبت است» و «عدم امکان وصول کل مهریه می‌تواند به تشخیص قاضی» به ماده ۱۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب اضافه خواهد شد.»

زن و مرد وارد اتاقی می‌شوند. دَر بسته می‌شود، باقی ماجرا همان‌جا ادامه دارد. هیاهو و ماجراهای سالن نمی‌گذارد متوجه شوید چند دقیقه شاید هم چند ساعت گذشته. دَر باز می‌شود، مرد همچنان خونسرد است، اما زن برافروخته: «همه چیزو به اسم برادرت زدی که حق و حقوق منوندی؟» مرد همان لبخند پنهان را به لب دارد: «فکر کردی قیمت سکه بالا رفته و می‌ری واسه خودت زندگی تازه می‌سازی؟ زهی خیال باطل.» زن خشمگین است، اما اشکی به چشم ندارد: «وظیفه‌ته طبق قانون مهریه‌امو بدی؟» مرد با همان لبخند نقش بسته بر لب رویه زن می‌کند: «با این قیمت سکه دوماه یه بار شاید بتونم یه ربع سکه بهت بدم. به قول قدیمی‌ها مهریه رو کی داده، کی گرفته.» صدای قهقهه مرد تا وقتی از در خارج شود سالن را پُر می‌کند.

۱۱۴تا سکه می‌شه چقدر؟

«۱۱۴تا سکه می‌شه چقدر؟» سنی ندارد، نهایتاً ۲۷ شاید هم ۲۸سال. موهای بلون‌دش با شال مشکی روی سرش هارمونی زیبایی ساخته‌اند. چهره‌اش غرق در آرامش است. گوشی‌اش را دست می‌گیرد و از بغل دستی‌اش می‌پرسد: «سکه امروز چند تومنه؟» و دوباره سرش را در گوشی می‌کند. زیر لب چیزی زمزمه می‌کند: «چیز دندون‌گیری هم نمی‌شه، اما از هیچی بهتره.» چند دقیقه بعد دختری به جوانی خودش از راه می‌رسد. با هم بچ‌بچ می‌کنند و بلند می‌زنند زیر خنده. دختر از راه رسیده گویی دوستش است: «ماشین تو عوض می‌کنی، نه اصلاً به سفر می‌ری. خدا رو چه دیدی شاید یه خرپول خنگ دیگه تور کردی.» صدای خنده دخترها توجه اطرافیان را به خود جلب می‌کند: «یواش‌تر بخند، همه ما رو نگاه می‌کنن. خیر سرت اومدی طلاق بگیری‌ها. حداقل ادای آدم‌های ناراحت رو دربیار.» و دوباره صدای خنده‌ای که بلند می‌شود.

با واقعیت فاصله معنادار دارد

قیمت سکه در میان هیاهوی تورم خودش را بالا کشیده تا کمی قدرت نمایی کند. در این میان زمزمه‌ها از افزایش تقاضای مهریه در دادگاه‌های خانواده خبر می‌دهند، اگرچه به باور یکی از وکلای دادگستری چنین مسأله‌ای فاصله معناداری با واقعیت دارد. «الهام بخشی» با تاکید بر اینکه نمی‌شود با قاطعیت گفت ازدواج جنبه تجاری یافته به «شهروند» می‌گوید: «نمی‌توان گفت ازدواج تجاری شده، به واقع بسیاری از زوجین با وجود مشکلات عدیده با صداقت زیر یک سقف به زندگی مشترکشان ادامه می‌دهند.» این وکیل خانواده تاکید دارد که ارتباطی میان افزایش قیمت سکه و مهریه وجود ندارد: «من تفاوتی احساس نمی‌کنم. به نظرم شایعه و فکراشتباهی است.»

این وکیل دادگستری ارتباط مستقیمی میان افزایش قیمت سکه و تقاضای مهریه نمی‌بیند: «زوج‌های امروزی نگاهی متفاوت با نسل‌های گذشته به مقوله مهریه دارند. بسیاری از زوج‌ها به دنبال مهریه گرفتن نیستند.» «بخشی» تغییر شیوه تعیین مهریه را میان زوجین تحولی می‌داند که شروع شده و بی‌شک در آینده جایگزین تعداد سکه‌های مهریه خواهد شد. «زوج‌ها امروز بیشتر به دنبال گرفتن شروط ضمن عقد هستند که بندهایی همچون حق طلاق، خروج از کشور و... را به خود می‌بیند.»

این وکیل خانواده بر این باور است که پرداخت مهریه با توجه به شرایط اقتصادی و نوسانات بازار سکه و طلا کاری سخت و در برخی موارد غیرممکن است: «شروط ضمن عقد در میان برخی زوج‌ها جایگزین مهریه‌های قبلی شده و شاهدیم که از طرفین زوجین مورد استقبال هم قرار گرفته است.» اگرچه «الهام بخشی» معتقد است جامعه امروز ایران به سمت قانون‌گذاری‌های شخصی در مورد مهریه می‌رود: «نسل‌های امروزی که جامعه نسبت به آنها نگاه مثبتی در مقوله مهریه ندارد، بسیار آگاهانه‌تر در این زمینه تصمیم‌گیری می‌کنند.» به گفته این وکیل دادگستری، شرایط اقتصادی تنها مهریه را نشانه نرفته است: «شرایط اقتصادی امنیت‌خاطری برای خانواده است، به همین دلیل نمی‌توان شرایط اقتصادی را در خانواده‌ها بی‌تاثیر دانست. در حقیقت نمی‌توان این حقیقت را کتمان کرد. شاید برای همین است حتی کسانی که تمکن مالی هم ندارند زیر بار ازدواج نمی‌روند.»

بی‌اعتمادی زوج‌ها و فروپاشی خانواده‌ها

اعتماد اساس هر نوع ارتباط موثری است و در یک ارتباط نزدیک مثل ازدواج این متغیر اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند. اعتماد، المثنی ندارد و اگر ترک بردارد بسیار به سختی قابل ترمیم است. وقتی معیار مرد ایده‌آل میزان مال او می‌شود، با افزایش قیمت سکه به تعداد مردان کم‌توان مالی افزوده می‌شود و این یک نقص به حساب آمده و پنهان‌کاری و دروغ آغاز می‌شود. به گفته یکی از اعضای هیأت‌مدیره انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران، دروغ آفت اعتماد است. وقتی اعتماد از بین برود، ارتباط آسیب دیده و بعد از بدبینی و اختلاف، طلاق عاطفی یا واقعی رخ می‌دهد. «مجتبی دلیر» به «شهروند» می‌گوید: «تعهد و وفاداری بر اعتماد اتکا دارد. اعتماد که خدشه‌دار شود، تعهد تهدید و سپس تخریب می‌شود و آن‌دک‌اندک از بین می‌رود و بنیاد خانواده نابود می‌شود.»

به اعتقاد این استاد دانشگاه، پول خوشبختی نمی‌آورد، اما همانند سپهری در مقابل استرس عمل می‌کند، بنابراین به امنیت روان شناختی کمک می‌کند. «دلیر» با اشاره به اینکه تعیین مهریه با هدف برآوردکردن تأمین مالی زندگی مشترک و نه تأمین بودن مالی بعد از زندگی مشترک معقول می‌نماید، می‌گوید: «توان مالی خوب قدرت‌آفرین است، اما استرس مالی مانع میل جنسی است. شرایط بد کنونی در حوزه مالی منجر به کاهش توان پیش‌بینی و اعمال کنترل بر زندگی شده و در نتیجه منجر به افزایش استرس و اضطراب می‌شود و این آسیب‌های روان‌شناختی اثرات مخرب خودش را در ارتباط زوج‌ها و خانواده‌ها نشان می‌دهد.»

بودن از داشتن هم‌مهم‌تر است

ازدواج یک قرارداد اجتماعی است. در این قرارداد طرفین وظایفی برعهده می‌گیرند. متأسفانه گاهی این قرارداد اجتماعی تبدیل می‌شود به معامله اقتصادی و آقا یا خانم یا هر دو به دنبال منافع مادی به جای دستیابی به آرامش و کمال هستند یا به اشتباه تصور می‌کنند تمکن مالی مایه آرامش است. به گفته یکی از اعضای هیأت‌مدیره انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران، اگرچه مال می‌تواند آسایش بیاورد، اما آسایش با آرامش فرق دارد. دارا بودن با دلارام بودن متفاوت است: «نوع نگاه، نگرش و شخصیت فرد است که تعیین‌کننده خوشبختی و آرامش یا تلاطم و تنش است. داشتن مال مهم است، اما نه به قیمت از دست دادن آرامش.»

این استاد دانشگاه بر این باور است که بودن از داشتن هم‌مهم‌تر است. برای مثال، آرام بودن، امن، مورد اعتماد بودن، همراه و همدل بودن و ... مهم‌تر از پول، خانه، ماشین، زیبایی، ثروت داشتن و ... است: «در جامعه‌ای که دچار مشکلات جدی اقتصادی است، سخن گفتن از ارزش‌های الوالی انسانی و توصیه به هدف قرار دادن تجربه‌کردن عمق زندگی دشوار است.»

در جامعه مهریه از هدف اصلی خود منحرف شده

از نظر روان‌شناسی در تکامل اجتماعی، مرد وزنی که قصد ازدواج دارند، به ارزیابی خودآگاه و ناخودآگاه طرف مقابل می‌پردازند تا مطمئن شوند کسی را انتخاب می‌کنند که سرمایه والدینی آنها را به خوبی حفظ کند. به گفته «دلیر»، در این ارزیابی یک معیار عمده، زیبایی زن در مقابل توان حمایتگری و به‌طور ویژه توان مالی مرد است، بنابراین تعیین مهریه با همان دادن هدیه به زن می‌توانست میزان تمکن مالی مرد را معین و خیال زن را راحت کند، این در حالی است که در جامعه امروز تکیه بر تعیین مهریه معیار درستی برای برآورد تمکن مالی مرد نیست، متأسفانه امروزه بر جامعه ما مهریه از هدف اصلی خود منحرف شده است. □

تعیین مهریه یا همان دادن هدیه به زن می‌توانست میزان تمکن مالی مرد را معین و خیال زن را راحت کند. این در حالی است که در جامعه امروز تکیه بر تعیین مهریه معیار درستی برای برآورد تمکن مالی مرد نیست، متأسفانه امروزه در جامعه ما مهریه از هدف اصلی خود منحرف شده است.

«نمی‌توان گفت ازدواج تجاری شده، به واقع بسیاری از زوجین با وجود مشکلات عدیده با صداقت زیر یک سقف به زندگی مشترکشان ادامه می‌دهند.» این وکیل خانواده تاکید دارد که ارتباطی میان افزایش قیمت سکه و مهریه وجود ندارد: «من تفاوتی احساس نمی‌کنم. به نظرم شایعه و فکراشتباهی است.»